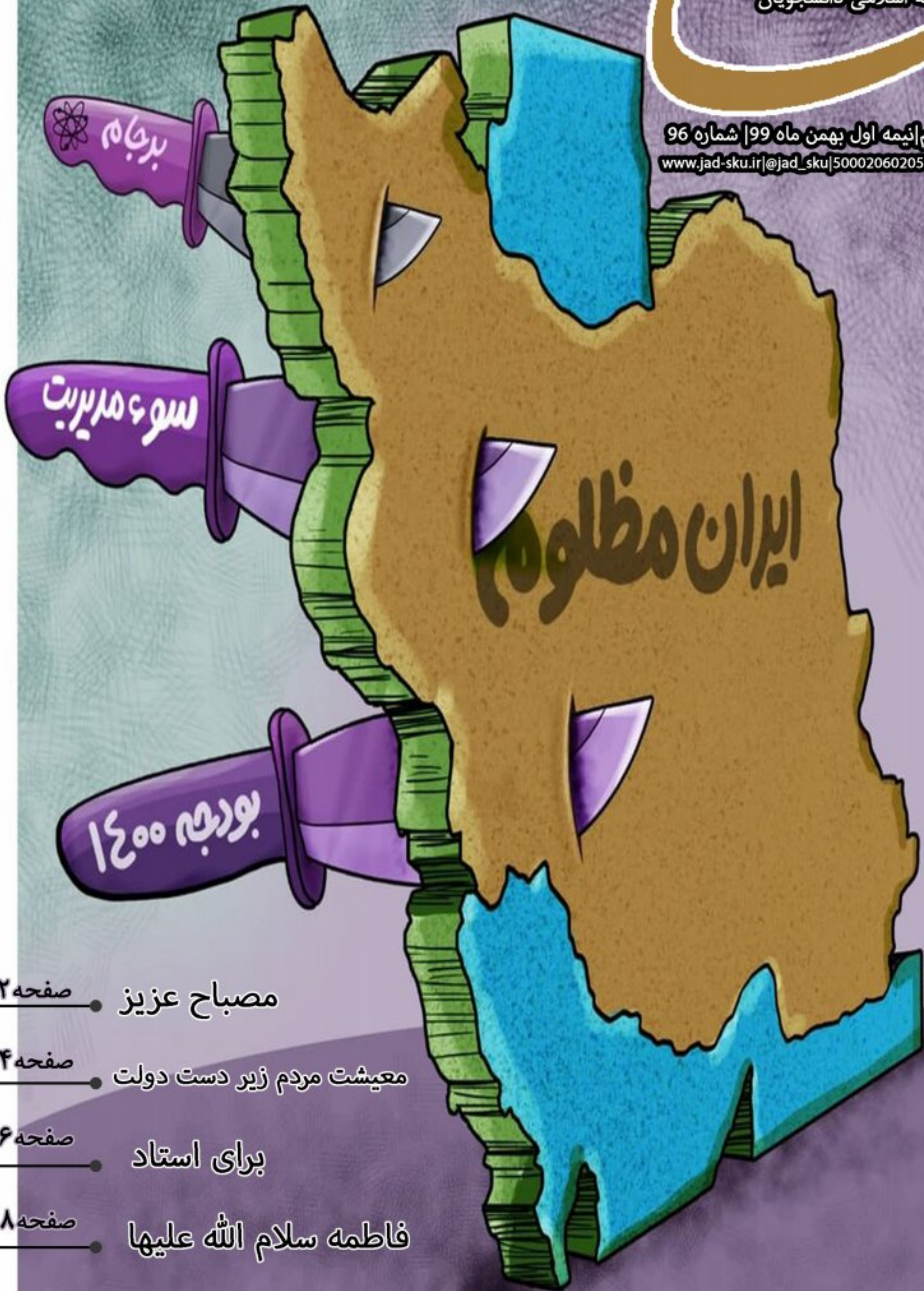


دو هفته نامه ی دانشجویی، فرهنگی، تحلیلی

جامعه اسلامی دانشجویان

سال سیزدهم | نیمه اول بهمن ماه 99 | شماره 96

پیامک به شماره 50002060205 | jad\_sku@jad-sku.ir



آرمان

صفحه ۲ • مصباح عزیز

صفحه ۴ • معیشت مردم زیر دست دولت

صفحه ۶ • برای استاد

صفحه ۸ • فاطمه سلام الله علیها



## مصباح عزیز

امیر قربانی



مصباح عزیز

### سر مقاله

گدایر جامعه اسلامی دانشجویان

امروز انقلاب اسلامی داغدار عمار خویش است. کسی که سالیان سال با مجاهدت های علمی خود راه بر دشمنان این انقلاب بسته و از ریشه های اعتقادی این انقلاب در برابر منافقین و روشنفکران غرب گرا محافظت نموده است. حضرت علامه محمد تقی مصباح یزدی (ره) تنها کسی است که به تعبیر حضرت آقا می توانست خلاء شخصیت هایی چون مرحوم علامه طباطبایی و شهید مطهری را برای نسل کنونی پر کند. اما اینک می خواهیم از جریانی صحبت کنیم که همگی از سیل تهمت ها و افترا هایی که طی سالیان سال به این شخصیت گرانقدر روا داشتند آگاهیم. جریانی که همیشه تحریف و اقیعیات، مسیری برای رسیدن به اهدافشان بوده است.

شاید بعد از صحبت های حضرت آقا، کم و بیش در مورد جریان تحریف شنیده باشید. اما می خواهیم کمی در مورد کسانی که این جریان را به وجود می آورند صحبت کنیم. تزویر و نفاق جریانی است که برای رسیدن به اهداف و امیال شیطانی خود شروع به تحریف و اقیعیات و سیاه نمایی فضای جامعه می کند. به نظر من برای معرفی جریان تزویر همین دیالوگ سریال مختارنامه کفایت می کند که، تزویر سکه ای دو روست که بر یک رویش نقش خدا و بر روی دیگرش نقش ابلیس است.

جای تعجب نیست که تزویر از عاشورا و خطبه حماسی حضرت زینب (س) شروع کرده و به براندازی و جبهه سازی علیه نظام اسلامی ختم کند، چرا که برای رسیدن به اهداف خود مجبور است از دین دم یزند تا آبرویی در جامعه برای خود دست و پا کند.

جریان تزویر خوب بلد است از مردم دم یزند و به اصطلاح، شعار های پوپولیستی بدهد اما در واقعیت امر فقط قشری برای آنها مهم است که در جهت منافع آنها دست به اسلحه برده و جان و مال مردم بی گناه را به آتش میکشند تا در برابر نظام اسلامی اعلام نارضایتی کرده و به اصطلاح خودشان پروژه براندازی را پیش ببرند.

متاسفانه در دانشگاه ها نیز اشخاصی شده اند جاده صاف کن جریان تزویر و دائما پمپاژ روحیه یاس و ناامیدی به جامعه دانشجویی می کنند.

کسانی که در کنار تحریف و اقیعیات و سیاه نمایی فضای جامعه دست بر روی نقطه قوت جریان دانشجویی که همان استکبارستیزی است گذاشته و شروع به تحریف این آرمان می کنند. اگرچه این جریانات مبارزه با امپریالیست را به عنوان آرمان و ایدئولوژی خود مطرح میکنند اما فقط در حد حرف به آن پایبندند.

و اما در نهایت این مصباح انقلاب بود که با مجاهدت های علمی خود همواره سدی در برابر این مزدوران غرب گرا بوده و برای دوستان چون چراغی روشنگر راه.

و به برکت همین تلاش های علمی است که نظام اسلامی به سمت قله های اقتدار و افتخار در حال حرکت است و قلم هیچ تحریف کننده و زبان هیچ ملامت کننده ای به آن آسیب نخواهد رساند.

جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا

سید مجتبی حسینی

از کودکی پرآوازه بود، در فراگیری علوم چشم نوازی می کرد، معلمانش برای او آینده ای بزرگ ترسیم می کردند حال آنکه او خود قلم تأیید بر تقدیرش نهاد و راه کسب دین را پیش گرفت. نامی درخور و دربردارنده اخباری شگرف او را مزین نمود. چرا که او قرار بود چون ارباب غریبش مصباح امت شود. علاقه او به کسب معارف دینی خستگی را خسته کرده بود، دوره های چندین ساله را در نیمی از مدت لازم سپری می نمود. چون درختی که ریشه هایش معارف اهل بیت و قرآن را درنوردیده و رو به سوی ملکوت دارد هر روز قوی تر می شود. پس از کسب سطوحی از معارف، یزد را به مقصد نجف برای استفاده از مجلس درس بزرگان ترک کرد. اما مشکلات بر او سنگینی نمود و بلاخره به تهران و سپس از آنجا به قم راهی شد. از همان ابتدا نبوغش زبان زد شد، با اینکه او از تازه وارد های درس بزرگان بود اما با تسلطی عجیب در پشت سر گذاشتن امتحانات رنگ نقش بر حوزه ها میزد. از کسی با این ویژگی ها و پشت کار، عجیب نبود که در حدود ۲۷ سالگی به درجه اجتهاد برسد. او در فقه و اصول، عرفان، اخلاق، تفسیر و فلسفه و بسیار دیگری از علوم اساتید عظیم القدری چون علامه طباطبایی (ره)، آیت الله بهجت (ره) و امام راحل را درک کرده بود. در این یحبوحه بود که کم کم صدای آزادی خواهان به گوش می رسید، در این میان اساتید ایشان از جمله امام راحل درس ظلم ستیزی و مبارزه را به ایشان می آموختند. در آن زمان اقدامات وسیعی در حمایت و پیشبرد انقلاب انجام می دهند از انتشار بیانات امام در منبر تا تکثیر و چاپ نشریه های بعثت و انتقام، و حضور در هسته تشکل ۱۱ نفره به منظور دفاع از انقلاب و حمایت از امام. پس از پیروزی انقلاب فرصت تازه ای نمایان شد تا ایشان نبوغ خود در گسترش دین در تمام جوانب را بیش تر از پیش به عرصه ظهور برساند در این زمان با هدف پرورش افراد متعهد و کارآمد برای کادر آینده حکومت اسلامی در مدرسه حقانی مشغول به تدریس شد. در دهه ۶۰ علاوه بر حضور بین رزمندگان اسلام، در دفاع از اندیشه های ناب و حقیقی اسلام گروه های چپ و مارک را به چالش کشید و پرچمدار مبارزه با اندیشه های التقاطی و انحرافی در دهه ۷۰ با مخالفان جریان روشنفکری و طرفدار مکاتب لیبرالیسم و پلورالیسم بود. به پیشنهاد امام راحل بنیاد فرهنگی باقرالعلوم و به پیشنهاد رهبر انقلاب مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی را بنیان نهاد تا عرصه های اجتماعی دین و علوم انسانی را که نیاز حتمی حکومت اسلامیست را مطابق با اندیشه اصیل اسلامی تولید و ترویج کند. ایمان راسخ و بیان نافذ ایشان و حمایت تمام قد از رکن رکین نظام اسلامی یعنی ولی فقیه و ایستادگی در برابر نفوذ جریانات فکری باعث شد تا ایشان

مورد بغض برخی از ناکسان قرار گیرد. زبان قاصر و قلم ناتوان در وصف مظلومیت بزرگمردی چون ایشان، چگونه می توان نگریست و نگریست که این فقیه مجاهد در زمانه ای که دفاع بد از عقیده ای، بدتر از سخت ترین حمله به آن از سوی دشمنان قسم خورده است، با فکر و اندیشه مواج و عمیق خود پا در عرصه حمایت، حفاظت و گسترش مبانی دین و اسلام گذاشت و با استدلال های عقلی و منطقی خود مصباح راه دلدادگان شد، اما بخاطر دلدادگی اش مورد تهاجم چندی متعصب داخلی قرار گرفت و گاه در عموم به جایگاه متهم نشست. اما باکی نیست که صبرش و اندیشه اش ضامن مضمون این جمله شد که در آخر باطل خفه و خفی و خفیف می شود تا نابود گردد. رهبر معظم انقلاب اسلامی در تبیین جایگاه ایشان فرمودند: من به ایشان به عنوان یک فقیه، فیلسوف، متفکر و صاحب نظر در مسائل اساسی اسلام ارادت دارم. حضرت علامه مصباح (قدس سره) یک الگوی جامع و کامل و نادر فکری برای جوانان انقلاب اسلامی است و از کارهای مهم ایشان می توان به این اشاره کرد که در دو عرصه شگفتی آفرینند دو عرصه ای که لازم و ملزوم هم برای گسترش دین اسلام هستند، تولید علوم انسانی اسلامی و تربیت شاگردان و دانش آموختگانی متبحر و متفکر است. اگرچه گذشتن از ابعاد وجودی ایشان واقعا نارواست اما در این محدودیت ناچار به بیان یکی از کلیدی ترین نکات زندگی ایشان هستیم آن هم به بیان شیرین خودشان: بنده شهادت میدم که در طول این شصت و چند سال هیچ کاری به برکت این طرح ولایت برای من اتفاق نیافتاده. طرح ولایت به بیان علامه بزرگوار ثمره عمر ایشان است الحق و الانصاف از بهترین کارهای بنیادی و اساسی است که ان شاء الله اگر توفیق باشد بعدا به آن می پردازیم. به هرچیزی تمسک جستیم تا شاید بتوان ذره ای از عظمت ایشان و تلاششان را نمایان کنیم اما نمی توان حق مطلب را درباره این فقیه جامع الاطراف ادا کرد، باشد که سخنی از رهبر حکیم انقلاب خط پایانی زیبا بر این نوشته باشد. شما می بینید این هجوم های تبلیغاتی را که به شخصیت های برجسته، به انسان های والا و با اخلاق های برجسته می کنند؟ اینها همه اش نشان دهنده اهداف و نیات دشمن است. وقتی یک نفر مثل جناب آقای مصباح مورد هجوم تبلیغات قرار می گیرد، می بینید که همین «و هم ینهنون عنه و ینأون عنه». حرف رسا و نافذ، منطلق قوی و مستحکم، هر جا که باشد، دشمن آنجا را زود تشخیص می دهد؛ چون حسابگر است. دشمن آنجا را می شناسد و به مقابله اش می آید. با مرحوم شهید مطهری نیز همین گونه برخورد کردند.

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان بسیجی طرح ولایت ۱۰/۰۶/۷۹



## فتح قله های علمی کابوس دشمن

مصطفی سلطانی

### چالشی به نام دانشجویی!

سجاد زارعی

در دانشگاه چه هست که در دبیرستان نیست؟

آیا دانشگاه آنقدر مهم بود است که یک سال از سرخوشی های دوران نو جوانیمان را پایش بگذاریم؟ دنبال علم اندوزی بودیم؟! دنبال شنیدن لقب دکتر و مهندس اطرافیان بودیم یا برآستی دنبال فرار ابلهانه ای از سربازی و ادامه تحصیل دهن پر کن بودیم؟

آخر چه باعث می شود که دانشجو بودن بشود مورد احترام اطرافیان و زندانی برای شنیدن نصیحت اطرافیان؟

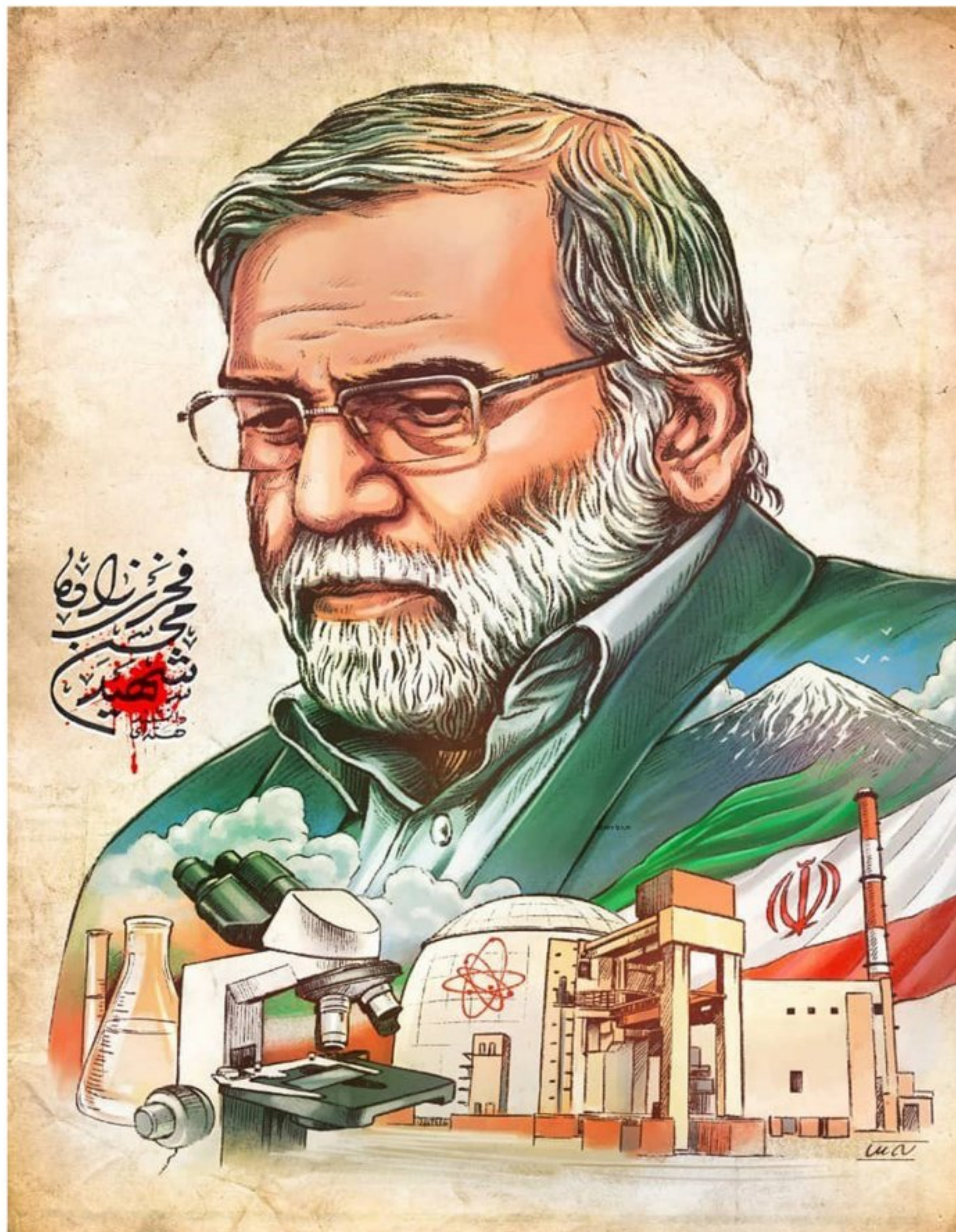
در دوران دبیرستان هدفی نبود و یا اگر بود خلاصه شده در کنکور و تفریح بود شاید هم مثالی از اندرز پدران و مادران زندگی مان را گوشواره ی زندگی کرده بودیم و به شغلی گذرا مشغول پر کردن ساعات عمرمان بودیم ولی در دانشگاه می توان بدون هدف زندگی کرد؟، آری چرا که نشود؟ خوب میشود با مشقت های فراوان سر در کتابهایی نمود که آخرین تجدید چاپش برگردد به ۱۰ سال پیش در یکی از کشور های پیشرفته، که چه شود؟ تا بتوانیم به استاد اثبات کنیم که ما نیز می توانیم متن کتاب ها را از حفظ دیکته کنیم

می شود هرروز در خوابگاه و اتاق خود دراز کشیده و تاریخ را متر کنیم! ولی چگونه میشود زمان را متر کرد؟ در کتابها که کشف اش نکرده ایم، منتظر نشسته ایم شاید در این سه سال کشف شود!

ولی دانشگاه و زندگی دانشجویی روی دیگری برای نشان دادن دارد روی دیگر دانشگاه مزرعه ای است که به مدت چهار سال و به بهای یک سال کنکور اجاره اش کرده ایم تا بلکه بذر های بی تجربگی ها و بچگیمان را در آن به درخت دنیادیدگی تبدیل کنیم؛ در دانشگاه یاد می گیریم چگونه با اساتید و کارمندان رندانه برخورد کنیم، یاد می گیریم که چگونه ترکیبی از مواد غذایی را تبدیل به معبدهی برای شکر دستپخت مادر تبدیل کنیم!

دانشگاه به محل اندوختن دانش و دانشجو به فرد شاغل در آن گویند، بارها این جمله را شنیده و به تمسخر یاد کرده ایم ولی آیا کسی به ما گفت که تعریف دانش چیست؟ شاید همه ی دانش در جزوات درسی مان پیدا نشود شاید در دانشگاه قرار بر آن است که یاد بگیریم چگونه در اجتماع رشد کنیم، چگونه فکر کنیم، چگونه انتخاب کنیم و هزاران چگونه ی دیگر؛ دانشگاه مکانی است که تبعات اشتباهاتمان را در چهار سال خود حل می کند و چیزی جز تجربه برآیمان به ارمغان نمی آورد، همه ی رخداد هایش محدود میشود به این چهار ضلعی...، نه ممکن است برای همیشه آبرویمان برود نه میتوانیم آبرویی برای خود دست و پا کنیم، سراسر تجربه و دانش اندوزی برای آینده روشن مان است؛ آیا وقت آن نشده که هدفمند به دانش اندوزی بپردازیم؟

..... سو تیتیر .....



توان کم آنها در مدیریت کشور و سر وسامان دادن به مشکلات کشور شخصی با این توانمندی بالای مدیریتی بلا شک برای دوستان غنیمت و برای دشمنان مایه حسادت است.

اما اسرائیل چرا در این سال ها عمدتاً دانشمندان هسته ایما را ترور میکند؟ چرا مثلاً دانشمندان شیمی، تئوریسین های فرهنگی، و مسئولین دولتی را مورد حمله قرار نمیدهد یا حداقل کمتر قرار میدهد جواب در سخنان حضرت آقااست دشمن از ضعف ما بهره و از قدرت ما میترسد از این که قوی بشویم واهمه دارد جایی را نشانه بگیرد که بیشتر در آنجا قوی شده ایم و به جایی فشار می آورد که ضعف بیشتری داریم به قول ایشان دشمن بر روی زخم ها نمک میپاشد و با چالش ها بازی میکند صنعت هسته ای ایران قوی شده است و این برای دشمن اولویت دارد تا آن را به ضعف بکشد و نابود سازد.

رهبر معظم انقلابدر پیامی شهید فخری زاده را اینگونه خطاب کردند: «دانشمند برجسته و ممتاز هسته ایو دفاعی کشور جناب آقای محسن فخری زاده به دست مزدوران جنایتکار و شقاوت پیشه به شهادت رسید. این عنصر علمی کم نظیر جان عزیز و گرانبها را به خاطر تلاش های علمی بزرگ و ماندگار خود، در راه خدا میذول داشت و مقام والای شهادت، پاداش الهی اوست.»

امید داریم خداوند متعال شهادت ایشان را راهی برای پیشبرد سریعتر انقلاب و جوانان ایران را غیور تر برای رسیدن به اهداف والایشان قراردهد.

چندی پیش شهید محسن فخری زاده دانشمند ممتاز هسته ای ایرانی عملیاتی ناجوانمردانه توسط رژیم غاصب صهیونیست به شهادت رسید. آیا این ترور ناجوانمردانه دلیلی بر روح خبیث پیغمبرکش این رژیم نامشروع نیست؟ آیا کشتن نوابغ سایر کشورها با شعار آزادی و حقوق بشر آن ها سازگاری دارد؟ اما فخری زاده که بود که دشمن برای به شهادت رساندن او تا این حد هزینه داد؟ هزینه ای که خشم ملت ایران را برانگیخت و ترس از انتقام سخت را دوباره در دل آنها نشاناد؟

شهید فخری زاده سه ویژگی شاخص داشت: اولاً رشتتهفیزیک هسته ای و خصوصاً کوانتوم را نه تنها عالمانه بلکه متفکرانه میشناخت و به معنای واقعی کلمه دانشمند بود. علاوه برآن همانند شهید سلیمانی یک مکتب بود. مکتبی که در آن تیر خدا از طریق قله های علم و دانش بر فرق سر شیاطین صهیونیستی مینشست، آرش کمانگیری که مرز های علم و دانش را با کتاب جابه جا میکرد.

ویژگی دوم ایشان این بود که سکولار نبود، لیبرال نبود، خودش بود. صفا و صمیمیت ایشان محرز شده بود و از صمیم قلب برای این انقلاب عرق میریخت. لب کلام این که ایشان یک شخصیت توحیدی ولایی بود چرا که شهادت با عالم فاسق کاری ندارد از جاهل فاسق متنفر است، اما عالمان عارف را به شدت دوست دارد.

ویژگی سوم ایشان و به نظر بنده بسیار مهمشان توان مدیریتی بالایشان بود که این امر را در تولید کیت تشخیص کرونا و همچنین تلاش برای تولید واکسن آن به طور علنی و ضمنی نشان دادند حقیقتاً در این بحبوحه بازار نالایقی های مسئولان و



## آقازاده

زهرا فتاحی

در این سریال دو آقازاده خوب و بد، حامد تهرانی و نیما بحری دو قطب خیر و شر سریال را تشکیل می‌دهند. آقازاده با سکانسی از آزادی یک دختر زندانی آغاز و در ادامه با مرگ وی در یک سکانس نسبتاً خشن و به دور از انصاف در ذهن مخاطب، او را با خود همراه می‌کند.

نیما بحری «به عنوان آقازاده ای با انحرافات اخلاقی،» رانت‌خواری و سوء استفاده از هنر برای دستیابی به منافع مادی تعریف شده و در نقطه مقابل وی «حامد تهرانی» قرار دارد که یک مأمور امنیتی از طبقه سنتی و مذهبی ایرانی است. او در کار خود تیزهوش عمل کرده و تلاش دارد تا با تخلفات گسترده نیما بحری مبارزه کرده و او را تحویل قانون دهد. برای بررسی بیشتر فیلم میشود به نکاتی اشاره کرد؛

طراحی فیلم خوب است به طوری که ذهن هر بیننده را کنجکاو میکند و چینش قسمت‌هایی از آینده و گذشته و دیدن آن توسط مخاطب باعث شده در ذهنش سریال را بسازد. انتخاب بازیگران این سریال به ظاهر خوب است. نشان دادن تاثیر تربیت خانوادگی و نان حلالی که بر سر سفره آورده میشود بر شکل‌گیری شخصیت فرد آشکار است. استفاده از آیات قرآن کریم متناسب با رخدادهای این فیلم به عنوان یک فیلم اجتماعی-سیاسی نشان از عدم انفکاک دین و متن زندگی است. علاوه بر همه اینها اینکه در یک فیلم به صورت واضح به چنین مسائلی اشاره شود و نقدی جدی بر بسیاری از مناسبات وارد شود حائز اهمیت بوده و گسترش چنین مضامینی در هنر به جای پرداختن به موضوعات مبتذل و بی محتوا میتواند امیدبخش برخورد جدی تر با چنین مفاسدی باشد. البته موادی هم مشهود بود که برای ساخت یک محصول تمیز باید به آنها بیشتر توجه میشد، از جمله اینکه بنا به فتوای مراجع پیشنهاد صیغه از طرف یک دختر بدون اذن پدر جایز نیست و این‌گونه صیغه شدن مخالف با شرع مقدس و تبلیغ آن فساد اخلاقی و مخالف قانون و عرف جامعه است و در فضای مجازی خیلی جنجال برانگیز بود و مخاطب دید جدیدی نسبت به این سکانس پیدا می‌کند که به ظاهر خوب نیست. یا در سکانس کشتن یک انسان بی‌گناه آن هم در یک بنز گران قیمت در مراکز اسقاط خودرو که تحت نظارت نیروی انتظامی است میتواند به نحوی تضعیف نیروی انتظامی باشد. محتوای سریال آقازاده نشان‌دهنده ضعف دادگستری و نهادهای امنیتی است که یک جوان به نام «آقازاده» می‌تواند به هر اقدام خلافی دست بزند و هیچ دستگاه امنیتی و اطلاعاتی هم مانع جرائم او نشود البته نمیشود گفت این یک نقطه ضعف یا سیاهنمایی است بلکه میشود با دید انتقاد یا بیان خلأ‌های قانونی به آن نگاه کرد.



## اعدام کنید

مهدي جولای



جرم دیگر زم همکاری با سرویس های جاسوسی آمریکا و فرانسه است، در اعترافات آقای زم مشهود است که سرویس اطلاعاتی فرانسه در قبال محافظت و تامین مالی وی می‌خواستند که او به هر نحوی جو کشور را به هم بریزد و بطور مشابه وقتی زم می‌خواست مهاجرت آمریکا را بگیرد آنها به او گفته بودند که ما باید سوژه ای برای امنیت ملی آمریکا داشته باشیم یعنی باید یک کار مفیدی برای امنیت ملی آمریکا کرده باشی تا ما بحث مهاجرت تو را حل کنیم. ارتباط او با رسانه های معاند بخصوص صدای آمریکا هم قابل ملاحظه است.

جالب است بدانید زمد طول سالهای ۹۵ تا ۹۶ برای کانال آمد نیوز بالای ۱۸ ساعت در روز وقت گذاشته است و در عمل به زندگی خود نمی‌رسید که خانواده او هم شاک می‌بودند، اما او در این مسیر باطل اینقدر وقت می‌گذاشته و ما در مسیر حق چقدر وقت می‌گذاریم؟! چقدر مایه می‌گذاریم؟! ازم ولی حالا در اواخر سال ۹۷ می‌برد و خستگی و ناامیدی بر او غالب می‌شود که آخر برای منافع چه کسانی؟! او وقتی دستگیر میشود اصلاً باورش نمیشود که در تور پچه های اطلاعات سپاه است ولی بعد از دستگیری اعتراف میکنند تصورش نسبت به سپاه عوض شده و آن طور که از خشونت و بی‌رحمی سپاه برایش گفته بودند خیری نبوده است.

در آخر با تشکیل دادگاه او حکم اعدامش صادر می‌شود ولی رسانه های معاند با تحریف واقعیت و مظلوم‌نمایی اعدام این جاسوس معاند را به شکل قتل روزنامه نگار بی‌گناه و #اعدام نکنید به تصویر می‌کشند در صورتی که خود زم در اعترافاتش در روز اول میگوید حکم من سخت گیرانه اعدام است.

این جمله ای است که روح الله زم در سوال اینکه، اگر قاضی خودت بودی چه حکمی صادر می‌کردی؟ بیان کرد.

روح الله زم ۴۲ ساله متولد شهر ری که به گفته ی خود اوایل افکاری متمایل به اصلاح طلب ها داشته، تا سال ۸۸ که میتوان گفت نقطه عطف زندگی او بوده؛ اغتشاشات در پی انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ او را به زندان می‌کشاند ولی داستان اینجا تمام نمیشود و او حس انتقام را در خود می‌پروراند و پس از آزادی از زنداناز کشور خارج می‌شود و پس از سفر به مالزی و ازدواج مجدد در آنجا سر از فرانسه در می‌آورد.

او به همراه پنج شش نفر از رفقای خود احساس نیاز به یک رسانه را برای زدن حرف هایشان بیشتر حس میکنند و بدلیل شرایط نامناسب و کمبود تجربه و امکانات در همان اوایل به عنوان خبرنگار سهام نیوز شروع به کار می‌کند و تا حدود یکسال و نیم ادامه می‌دهد، اوایل سال ۹۵ سایت آمد نیوز شکل می‌گیرد ولی آنها بسنده نمی‌کنند و کانال تلگرامی آمد نیوز را بر خلاف میل زم راه اندازی می‌کنند؛ زم فکر نمی‌کرد تلگرام جواب دهد ولی برخلاف این تصورات این کانال جواب می‌دهد و معروف می‌شود.

با شکل‌گیری هسته آمد نیوز منابع های مختلف شروع به وصل شدن می‌کنند، کارمندان ادارات و وزارت خانه ها و یا حتی مردم عادیکه به گفته خود آقای روح الله زم در خیر های موردی، هویت فرد قابل تشخیص نبوده که مسئول هست یا یک فرد عادی که خب احتمال کذب بودن اخبار را بالاتر می‌برد. به گفته زم هدف کانال آمد نیوز مبارزه با مفاسد اقتصادی بوده ولی سر از میدان داری و هدایت اغتشاشات

سال ۹۶ اخبار جعلی، در می‌آورد؛ در این کانال بعضی از اسناد محرمانه و طبقه بندی شده با پول خریداری می‌شد که میتوان به موقعیت مکان های نظامی برای موشکباران اشاره کرد.



## فریاد عدالت، مقابله با تبعیض

فاطمه مختاری

## معیشت مردم زیر دست دولت

ریحانه سادات لقای

با وجود اینکه امسال رئیس جمهور طبق اعلام خودش به خاطر آنچه رعایت پروتکل‌های تبلیغاتی خوانده شده به مجلس نرفت و در جلسه تقدیم بودجه حاضر نشد و قرار بود «محمدباقر نوبخت» رئیس سازمان برنامه و بودجه به جای حسن روحانی به مجلس برود و لایحه بودجه ۱۴۰۰ را تقدیم کند.

اما در نهایت معاون پارلمانی رئیس جمهور لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ را تقدیم هیات رئیسه مجلس کرد. از ابتدا تقدیم لایحه بودجه ۱۴۰۰ به مجلس تا کنون حواشی زیادی داشته و کلیات بودجه با انتقادات بسیاری از سوی کارشناسان و برخی از نمایندگان مجلس روبه‌رو شد.

با توجه به شرایط اقتصادی و وضع معیشتی مردم باید به نکاتی پیرامون لایحه بودجه پرداخت که در بهبود معیشت مردم اثر گذار است.

اصلاح بودجه به نفع مردم است. بودجه‌ای عادلانه، مردمی و با کاهش وابستگی به نفت می‌تواند اقتصاد ما را قوی کند. در ادامه به برخی صحبت‌های رئیس مجلس می‌پردازیم: در بسته اقتصاد مردمی توجه به مشارکت مردم در اقتصاد و واگذاری دارایی‌ها به آحاد مردم مدنظر است. همراهی دولت با برخی موارد اصلی و مهم اصلاح ساختار بودجه که مد نظر مقام معظم رهبری است، یادگار ماندگار و نیکی برای آیندگان به جای خواهد گذاشت.

آنچه در نهایت باید به طور واقعی در بخش درآمدها به آن برسیم، عدم اتکا به نفت است که از موارد اصلی مورد تاکید مقام معظم رهبری در سال‌ها اخیر است. تلاش خواهیم کرد در همین لایحه فشار کسری بودجه به عنوان ام المصائب اقتصادی و خلق نقدینگی و تورم را کاهش دهیم. این هدف با نقش دادن بیشتر به مردم برداشتن موانع تولید و کسب و کار و اصلاح ساختار بودجه ریزی ممکن خواهد شد و ابدا دور از ذهن نیست. مردمی کردن اقتصاد و کوچک کردن دولت به نفع مردم و افزایش نقش مردم در اداره اقتصاد کشور از دیگر اولویت‌های مجلس است. با افزایش نقش مردم در اقتصاد کشور، قوی شدن تک تک مردم موثر خواهد شد و این به قوی شدن کشور منجر می‌شود.

ما ایران قوی نخواهیم داشت، مگر آنکه هدف ما قوی کردن مردم باشد. پیش از این مجلس بررسی بودجه شرکت‌های دولتی را که تقدیم شده است، آغاز کرده و این نیز بخش مهمی از بررسی لایحه بودجه خواهد بود. یکی از موارد مورد توجه در لایحه بودجه توجه به اقشار ضعیف خواهد بود. مجلس، بسته حمایت معیشتی را در بودجه سال آینده دنبال خواهد کرد و تعلق در حمایت از قشرهای ضعیف را گناهی نابخشودنی در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی می‌دانیم.

منبع خبرگزاری تابناک



این راه طولانی و آرمان بزرگ حرکت میکنند باید خستگی حس نکنند.

یک ملت اینگونه به سیادت، آقایی و بزرگی میرسد.

هیچ ملتی با تنبلی به سیادت و سعادت نمی‌رسد. بدبختی این است که می‌گویند چون ما نمیتوانیم به این هدف برسیم پس ولش کن، نخیر اینگونه نیست.

در مسئله عدالت اعتقاد به مبدا و معاد نقش اساسی دارد و ما از این نمیتوانیم غافل شویم.

نمیشود در جامعه عدالت حقیقی محقق شود اما اعتقاد به مبدا و معاد وجود نداشته باشد، هر جا اعتقاد به مبدا و معاد نبود عدالت یک چیز اجباری و تحمیلی میشود که از فرهنگ غرب سر چشمه می‌گیرد. این اعتقاد، به انسان نیرو و نشاط میدهد، اگر معنویت با عدالت همراه نباشد یک شعار تو خالی بیش نیست و اگر عدالت در عقلانیت نباشد میشود ضد خود.

در هیچ شرایطی در کوتاه مدت آرمانهای بزرگ محقق نخواهد شد آرمانهای بزرگ مستلزم استمرار اند.

گفتمان عدالت خواهی را شما جوانان مومن متعهد و با مسئولیت در دانشگاه مطرح کردید، ما وقتی در مورد عدالت در روابط اجتماعی و عدالت در تشکیل نظام اجتماعی بحث میکنیم نباید عدالت نسبت به خود را فراموش کنیم نباید به خود ظلم کنیم، گفتمان عدالت خواهی را فریاد کنید اما شخصی سازی و مصداق سازی نکنید. کاری نکنید که دشمنان در توانایی انقلاب تردید کنند، عدالت طلبی فقط شعار دادن نیست باید واقعا بخواهید.

مواظب باشید که آرمان‌ها و ارزش‌هایتان از بین نرود آن‌ها را نگه دارید که وقتی مسئول شدید و به جای خوبی رسیدید یادتان بماند.

امروزه کشور ما تشنه فعالیت اقتصادی اسلامی و ایجاد اشتغال برای جوانان و سرمایه‌گذاران مطمئن است و خشکاندن ریشه فساد مالی و اقتصادی مستلزم عمل قاطع و گره‌گشای سه قوه است.

منبع کتاب عدالت

عدالت! عدالت همانی است که مولای متقیان علی (علیه السلام) در دوران حکمرانی اش اجرا و به همه توصیه اش کرد. همان هایی است که بین برادر و دیگر مسلمانان تبعیض قائل نشد. آری اینست عدالت الهی، که باری دیگر با برقراری حکومت آخرین منجی عالم بشریت به طور کامل ظهور می‌یابد. حال باید بدانیم که علت اهمیت زیاد این مولفه چیست؟ چون فوری‌ترین و اصلی‌ترین هدف تشکیل جامعه و راه ماندگاری و موفقیت است زیرا عدل سنت آفرینش است، حقیقت هویت یک جامعه به اجرای عدالت در آن است، اگر می‌خواهید جامعه «اسلامی» باشد لازمه آن عدالت است، و حتی راه گسترش اسلام نیز اجرای عدالت است، عامل رفع بدبختی جوامع انسانی و لازمه رفع محرومیت است.

نظام جمهوری اسلامی موظف است در همه مراحل عدالت را تأمین کند، اگر به دنبال عدالت نباشیم وجود ما پوچ و بیهوده خواهد بود، اگر رونق اقتصادی باشد اما عدالت اجتماعی نباشد این رونق به درد فقرا و مستضعفان نمی‌خورد و محرومیت را رفع نمیکند همه بدبختی‌ها ناشی از همین بی‌عدالتی است.

نکته اینجاست که بقیه ارزش‌ها مثل توسعه پیشرفت و سازندگی هم مهم اند اما وقتی به این‌ها زیاد اهمیت داده شود و مسئله عدالت، نقی تبعیض و توجه به نیاز محرومان کم رنگ شود خطر است. اساس اصلاح این است که ما با فقر و فساد و تبعیض مبارزه کنیم، اگر واقعا اصلاحات باشد. چند نکته مفید برای مبارزه با فقر و فساد و تبعیض از بیان مقام معظم رهبری:

– مبارزه با فقر وظیفه همگانی است یکی از عوامل تکذیب دین این است که انسان نسبت به فقرا و محرومین بی تفاوت باشد.

– اصل عدالت اجتماعی در نظر گرفتن عدالت توده وسیع مردم و پر کردن فاصله اجتماعی بین گروه هاست و یکی از وظایف انقلاب اسلامی مبارزه با فساد اداری و فساد اقتصادی است.

– مبارزه با تبعیض: تبعیض مردم را آزار میدهد. مردم در زمینه اقتصادی مشکلاتی چون شکاف اقتصادی و تبعیض دارند و

برخورد ناروا در برابر محرومیت‌های سخت مردم را آزار میدهد.

– سرباز عدالت اجتماعی باید خستگی ناپذیر باشد کسانی که در



## برای استاد

فاطمه نجفی

تا آدم نبینی نمی توانی آدم شوی و تا آدم نشوی

نمی توانی آدم بسازی. نمی دانم این جمله در مغز چگونه در دیدار با ایشان عمق گرفته بود که با وجود اینکه در صف دوم نشسته بودم نمی توانستم ایشان را ببینم. بارها شنیده بودم در محضر عالمانی چون آیت الله بروجردی، حضرت امام (ره) و آیت الله بهجت بودند که رابطه دوستی با امام زمانشان دو طرفه بوده است و مقبولیت ویژه در محضر آیت الله بهجت داشته اند. نیرویی دست جرات دل و دیده ام را گرفت، انگار اجازه اختیار را عقل تماماً به دل داده بود.

سرم را بالا گرفتم و تمام فکرم این بود خدایا من حقیر، در چشمان استاد به گونه ای نباشم که ایشان از این که فردی چون من از ثمره ۷۰ ساله اش بهره می برد دچار رنج شوند.

سرم را بالا گرفتم. نگاهشان مستقیم به من بود با آن لبخند منحصر به فرد خودشان. گفتم اتفاقی است.

انگار فهمیده بودند چه در سرم می گذرد... حرف هایی زدند که مخاطبش درعین عام بودن برای همه حضار برای من و خاص من بود. اشکم بدون اجازه من سرازیر شد و نگاهم قفل ایشان تا آخر جلسه بود. تازه آنجا بود فهمیدم نورانیت صورت چیست. من آقا را از نزدیک ندیده بودم اما آن روز برادر قدیمی ایشان را دیدم. ریسمان همه جمع را نه تنها با فلسفه و کلام روان و پر از صفا بلکه با ایجاد پیوند پدری برای همه مان محکم نمود و دستمان را در دست پدر امت به صورتی گذاشتی که امثال دکتر سروش ها نتوانند ما را در فتنه ها به دنبال خود بکشانند تا علی را در کوچه های شهر تنها بگذاریم. همان طور که خودش در فتنه سال ۸۸ با وجود تمام سرزنش ها و آزارها علی را در کوچه های نفاق و فتنه و دورویی تنها نگذاشت... ای پدر با تمام وجود میراثت، این شجره طیبه را هر روز پر بارتر خواهیم کرد چون تو ریشه هایش را محکم کرده ای از چیزی گزند نمی یابد...

با تو عهد می بندم همچون عهد خادمی که خواستی در حرم امام رضا (ع) طلب اخلاص کنیم. میدانم اخلاصمان به اخلاص شما نمی رسد اما دور باطل است اگر دست از شجره طیبه و رهبر عزیزمان برداریم. علی اکبر گونه پای ولی امرتان هستیم.



**رمز شهادت فرزندان این شجره  
طیبه اخلاص است. اخلاص مصباح  
یزدی... اخلاص حاج قاسم...**

## در مکتب سلیمانی

حانیه راشدی پور



### سردار عزیز سلام

می خواهم برایتان کمی از حال و اوضاع این روز هایمان بگویم... راستش را بخواهید حال ما زمینی ها اصلا خوب نیست...

از وقتی که شما...

در آن نیمه شب جمعه، لبیک گویان به سمت آغوش خدا پرواز کردید و روحتان را از قفس تن تکه تکه شده تان نجات دادید، آری درست از همان شب... حال هیچ کس خوب نیست...

درست از همان لحظه که چشمهای خمینی تان را به روی دنیا بستید و دست ابوالفضلی تان را از دلدادگی های دنیا شستید، از همان وقتی که صدای بهشتی تان دیگر در گوش هایمان طنین انداز نشد، از همان وقتی که لبخندهایتان را از پشت قاب های مستطیلی نظاره گر شدیم و حسرت خوردیم... درست از همین جاها، از همین لحظه ها دیگر کسی روی خوش دنیا را ندید...

شما که رفتید دیگر کسی دست نوازش بر سر کودکان یتیم نکشید و آن ها باردیگر طعم تلخ یتیمی را چشیدند...

شما که رفتید دیگر کسی بی منت و با آغوش باز برای کمک به سیل زدگان خوزستان نرفت...

نفس شما که از این دنیا بریده شد، هوای تمام دنیا آلوده شد و نفس راحت کشیدن برای همه سخت ترین و ممنوع ترین کار دنیا، دست شما که قطع شد، دست دادن برای ما هم رفت جزو خط قرمز ها، ممنوع شد.

راستش را بگویم بعد از شهادت شما، هراس دشمن بیشتر شد، چرا که راهی که شما نشانمان دادید و هنوز رد گام های استوارتان در آن پیداست.

برای خیلی ها کابوس است و مانع رسیدن به اهدافشان، مکتب سلیمانی یعنی ایستادگی، مقاومت، خودباوری، دشمن شناسی.

به گمانم خیلی از آنهایی که دم از مذاکره و سازش میزنند خیلی دل خوشی از راهتان ندارند و مخالفت با آن اصلا عجیب نیست، مقاومتی که سالهاست نتیجه اش را در امنیت میبینیم.

امنیتی که حسرت ملت های زیادی ست.

مقاومت شما هم ثمره بصیرت و دشمن شناسی ست، شناختی که قوه تشخیص راه و بیراه، خودی و بیخودی، اصل و فرع را تقویت میکند.

بودنتان هراس بود و نبودنتان خوشحالی برای دشمنان این آب و خاک و این مردم چرا که شما دشمن را شناختید و مستقیم به

سمت سنگرهایش یورش بردید و چه شیرین بود فتح الفتوحاتتان. اما بعد از آن ۱:۲۰ دقیقه نیمه شب که مردم به عزا نشستند چه چشم هایی که بینا نشد و چه غافلانی که از خواب بیدار شدند برکت خونتان اتحاد ما بود.

همدلی و فریاد «مرگ بر آمریکا»یی که از حنجره ۸۰ میلیون ایرانی بیرون ریخت.

می دانید چرا؟

چون آنها خیال می کردند با گرفتن شما از ما، دیگر همه چیز تمام خواهد شد، خیال می کردند با گرفتن شما از ما، دیگر راهتان تمام می شود.

اندیشه تان ناپدید می گردد و دیگر اسم و رسم شما هم به فراموشی سپرده خواهد شد...

اما این جماعت این را درک نکرده اند که تمام ملت ایران فرزندان انقلابند...

آنها این کلام پیر ما را نفهمیده اند، بکشید ما را... ملت ما زنده تر خواهد شد.

که همین کلام، شد سرلوحه تمام زندگی ملت مسلمان...

نفهمیدند ولی هنوز هم از خشم و صلابت در نگاه شما ابا دارند و حتی اجازه ی پخش تصویر نورانی شما را هم نمی دهند و خیال می کنند با این کار ها می شود سد مسیر عشق شد...

آری، عشق همان مسیری است که شما و رفقایتان در سراسر تاریخ اسلام انتخاب کردید و به سر انجام رسیدید.

و حالا یک ایران است و یک فرمانده ای که رهبر عشق است و یک ملت گوش به فرمان ایشان برای گرفتن انتقام خون شما سردار عزیز ما و دشمن بدانند که ما حالا هزاران هزار قاسم سلیمانی در سراسر این خاک مقدس داریم.

**قبله باقیست فقط قبله نما را کشتند**



## پایان یک فتنه

سمنانه ترابی نژاد



روز ۹ دی سال ۸۸ مردم با بصیرت دینی خودشان این روز را در تاریخ ایران ثبت کردند

بحث دشمن شناسی بحث یک دفعه بودن و یک باره بودن نیست. بلکه انسان وقتی در سطح فردی به خودش می‌رسد،

می‌تواند در جامعه هم آگاهانه تصمیم بگیرد می‌تواند با یک حرکت به موقع - سرنوشت ملت را تغییر بدهد

وقتی انسان دیندار باشد می‌تواند وظیفه خود را به موقع تشخیص دهد می‌تواند پشتیبان امام زمان خویش باشد. گاهی این تصمیم گیری و دین داری آگاهانه این است که آدم سکوت کند، گاهی باید استقامت کند و گاهی باید قیام کند. همه چیز به بصیرت- میدانگی به بصیرت بستگی دارد که منشا بصیرت - آگاهی دینی است وقتی دینداری آگاهانه باشد بصیر می‌شوی.

در این روز به فرموده رهبری، انقلابی‌ها از انقلابی‌ها مشخص شدند.

البته انقلابی‌گری کار آسانی نیست. باید مانند حاج قاسم، پورجعفری و... در میدان عمل وارد شوی.

باید از خواب و استراحت بزی، باید از سیم خاردار نقست عبور کنی تا بتوانی تصمیم‌گیری باید شهید زندگی کنی تا خداوند عاقبت تورا به سعادت ختم کند.

این بصیرت، این قدرت تشخیص خوب از بد، حق از باطل، هدایت از ضلالت است که خداوند بزرگ در قرآن کریم از آن با نام «فرقان» نام برده است.

«و من یتق الله یجعل له فرقانا» یعنی این قدرت تشخیص حاصل تقوای الهی دوری از گناهان و هوای نفس و جاذبه‌های دنیایی است. اگر شناخت و آگاهی از زمان داشته باشی اما تقوا نداشته باشی نمی‌توانی تصمیم به موقع بگیرد، بصیر باشی و در دوران فتنه‌ها سردرگم می‌شوی.

در خطبه ۵۰ نهج البلاغه حضرت امیر(ع) فتنه و فتنه‌گران را این گونه معرفی کرده است:

آغازپدید آمدن فتنه‌ها، پیروی از خواهش‌های نفسانی است. بدعت‌هایی در احکام آسمانی که کتاب خدا آن را نمی‌پذیرد و گروهی از گروهی دیگر یاری می‌خواهند

## گزافه گویی ممنوع

کوثر غریب پور

آقای اردوغان آخر چه توقعی از شما هست؟

وقتی هنوز حتی یک کتاب تاریخی هم نخواندید و اطلاعات تاریخی ندارید.

البته این طبیعی است، رئیس‌جمهورهای زیادی را می‌شناسم که بیچاره‌ها وقت خواندن یک کتاب را هم ندارند و در تمام طول زندگیشان مشغول حل مشکلات مردمشان بوده‌اند و نتوانستند حتی یک کتاب تاریخی بخوانند. حالا شما هم مثل همه از کجا بدانید که این سرزمین واحدی که می‌گویید آذربایجان تا دوران قاجار تحت حاکمیت ایران بوده است.

خب از آن بیشتر از کجا باید بدانید که منطقه ارس با عهد نامه ترکمانچای و گلستان این شاهان قاجاری عزیز از ایران جدا شده است. خداوند پدرشان را بیمارزد ببین چگونه هر طفل ایران را اینگونه از مادرش جدا کردند که موضوع افاضات و یاهه گویی‌های امثال شما بشود.

البته می‌گویند که این بنده خدا هم خبر نداشته چه روی کاغذ نوشته‌اند. یک کاغذ دستش داده‌اند و گفتند برو بخوان.

حقیقتا به او گفته‌اند این را بخوانی همه ستایش می‌کنند این هم خوانده و نفهمیده چه چیزی تناول نموده. یک صبح جمعه ای بیدار شده و دیده بمبی در رسانه‌ها ترکانده که بیبا و ببین بعد هم اعلام کرده که، بخدا من هم صبح جمعه فهمیدم..

آقا از قدیم گفته‌اند، مالت رو بچسب همسایت رو دزد نکن. حالا زیاد هم بی ربط نیست، اگر آن روز آقای ایکس به جای پرت کردن خودکارش کفش پرتاب می‌کرد این آقا که جرئت حرف زدن نداشت.

به هر حال هرچه سنگین تر بهتر! خلاصه خدمت شما جناب اردوغان بیگ عرض کنم که ایران به جز دولت، ملت هم دارد.

ملتی که خاک می‌خورد اما خاک نمیدهد.

اینکه فکر کنی که مردم ایران از عملکرد دولتشان ناراضی هستند و می‌توانی از این موقعیت استفاده کنی و ایران عزیزمان تجزیه شود خواب و خیال توست!

روایت است که رستم شاهنامه را هر قابله ای می‌خواست از شکم مادر بیرون بکشد این رستم بود که آن قابله را تو میکشید.

خلاصه که حواستان باشد وقتی خدای ناکرده به سر بی عقلمان زد که ایران را تجزیه کنید ایران شما را داخل نکشد.

اگر قرار باشد تغییری در مرزهای سیاسی اتفاق بیوفتند بازگشت آرات و آذربایجان به ایران است.



تا بر خلاف دین خدا، اجرای آن را بر عهده گیرند آنان که لطف حق را دریافته باشند نجات یابند و راه حق را بر خواهند گزینند.

خداوند متعال عامل اصلی هدایت قلب‌ها و دل‌های ملت ایران برای حضور در عرصه‌های مختلف است و بصیرت مردم در فصلی پر از فتنه‌ها ۸۸ باعث شد تا این روز در تاریخ ایران ثبت شود.

درواقع مردم با عبرت گرفتن از حوادث مشابه تاریخی و استخراج درسها و عبرت‌های زمانه برای ساختن آینده‌ای روشن «حکومت جهانی امام زمان(ج)» به وظیفه خودشان عمل کردند.

دشمنان نظام با هم دستی نوکران در آستین بزرگ شده‌ی انقلاب با نقشه‌ای از پیش تعیین شده و هدفمند در ابتدا کار به دنبال تضعیف و تخریب هدف‌های انقلاب برآمدند و برآن پافشاری کردند.

باتصور اینکه ایمان مردم ضعیف شده و از انقلاب و حکومت نا امید شده‌اند. اما حرکت مردم نشان داد که مردم هدف‌های بالاتری دارند که برای آنها هزاران شهید دادند.

اما وقتی فتنه‌گران در خیابان‌های شهرهای بزرگ و تاثیر گزار ریختند و به مقدسات توهین کردند

مخصوصا عاشورای حسینی، بی‌اهمیت نشان دادن نقش مردم در عرصه‌های مختلف جامعه توسط فتنه‌گران «انتخابات»، هدف قرار دادن ستون اصلی انقلاب «ولایت فقیه»، نا امن کردن فضای زندگی برای مردم در شهرهای بزرگ، ادامه دار کردن مسئله انتخابات به عنوان حربه، باعث خروش مردم شد

که همه عوامل مخصوصا اهانت به مقدسات و عاشورای حسینی باعث حضور گسترده مردم بصیرگردید.





فاطمه خود یک امام است. یعنی یک نمونه مثالی، یک تیپ ایده آل برای زنیک اسوه، یک شاهد برای هر زنی که می خواهد شدن خویش را خود انتخاب کند  
دکتر شریعتی



@jadsku

دوهفته نامه دانشجویی، فرهنگی، تحلیلی جامعه اسلامی دانشجویان

مدیر مسئول: سید مجتبی حسینی

سر دبیر: ریحانه سادات لقایی

طراح و صفحه آرا: هاجر خوش چین

ویراستار: ریحانه سادات لقایی

باتشکر از تمامی دوستان که ما را در این شماره یاری کردند

شما می توانید نظرها و پیشنهادهای خود را پیرامون این نشریه از طریق پیامک به شماره ۰۲۰۰۲۶۲۰۵۰۲۰ یا با مراجعه به سایت جامعه اسلامی به نشانی [www.jad-sku.ir](http://www.jad-sku.ir) به اطلاع ما برسانید.

## فاطمه سلام الله علیها

لیلا در علی



میگفت فاطمه صدیقه مادر است، مادر سادات.

اما نه، ایشان از همان زمان که ام ابیها خطابش میکردند مادرانگی اش عالم گیر شد و نور وجودش عالم را منور میکرد، مادرانه هایش برای اهل کسا آنقدر ظریف و لطیف است که دل آدم ضعف میرود وقتی به حسن جان و حسین جانش میگوید «یا قره عینی و ثمره فؤادی» اصلا مگر میشود بوی محبت و عشق به مشام نرسد

در خانه ای که کلماتش چنین لطیف بر زبان جاری میشود، بی اندازه مهربانانه. میدانید چیست؟

مادری کردن برایش از واجبات و مهمات بود زیرا میدانست ثمره عمره هجده ساله اش جاری میشود در تمام تاریخ، حسینش میشود قهرمانی که تا ۱۳۹۹ هجری شمسی انگیزه و دلخوشی و الگوی میلیون ها انسان است و زینبش نماد صبر و استقامت.

میبینید نتیجه مادری کردن را، کیفیت مادری کردن را مگر چند ساله بود و چند سال مادری کرد؟!

اما نمیدانم این لطافت را چطور با آن صلابت خطبه فدکیه کنار هم گذاشت، ساده نیست ریحانه بودن و مردانه سخن گفتن. بین الگوی هجده ساله هزاران حرف نگفته دارد برای ما. بنظر نمیرسد بعد از زمین خوردن و شکستن پهلو زیاد حرف زدن بماند

اما همان ها پر از حرف است، پر از درس، میدانم که تاریخ نمیخوانم و نمیخوانیم، اما گاهی گذرمان به روضه می افتد، که برایمان بگویند چه شد و زهرا برای چه زخم خورد، برای علی(علیه السلام) که امامش بود و ولی.

زخم زبان شنید طعنه و کنایه، نگاه چپ و شنیده نشدن و در نهایت سیلی و آتش و میخ در، اما محکم ماند چون حق را میشناخت و میدانست که راه حق همیشه سخت است،

او دختر محمد است و کم ندیده و نشنیده از این سختی ها، از امامی که همیشه تنهاست

و مظلوم و آماج حمله. او ماند مردانه ماند، در راه حق که او نماد «و تواصوا بالحق و تو تواصوا بالصبر» بود.

اگر از کراماتش نگوئیم و به دامانش چنگ نزنیم ظلم کرده ایم به خودمان. ایشان همواره دیگران را بر خود ارجح می دانستند، مسئولیت پذیری و ارتباط با معنوی قوی با خداوند سادگی و در عین حال آراستگی مبتنی بر حیا از ویژگی های فاطمه سلام الله علیها می باشد.

اوست که کمال است و دنیا به خاطر نور وجودش خلق شده است که دارای شخصیتی بسیار برجسته و والا می باشند که بی شک بهترین الگو نه تنها برای شیعیان بلکه برای بشریت اند. حضرت زهرا سلام الله با وجود اینکه عمرشان چون گل کوتاه بود در عرصه های مختلف فردی خانوادگی اجتماعی در کنار پیامبر اکرم صلوات الله علیه و امام علی علیه السلام درخشش نمودند و منشاء خیر و برکت برای تمام بشریت شدند.

بر شمردن کرامات و فضایل ایشان کار ساده ای نیست، اما حضورشان در فعالیت های اجتماعی قابل تامل است؛

مرجعیت فکری فرهنگی، بیان معارف الهی، اعتراض و انتقادهای اعتراض به غصب فدک، اعتراض به عملکرد خلیفه اول و دوم و... عملکرد سیاسی حضرت در دفاع از حریم ولایت پس از دوران رحلت پیامبر تا زمان شهادت ایشان از فرازهای تاریخ اسلام است. در خصوص نوع مبارزات و برخوردهای حضرت فاطمه زهرا با غاصبان خلافت و با محوریت دفاع از ولایت و امامت حرف ها هست، مبارزه ای که ریحانه نبی در حساس ترین شرایط آغاز کرد از زمان آغاز انحراف جامعه پس از رحلت پیامبر به عنوان مهمترین و محوری ترین حرکت سیاسی جامعه محسوب می شود. هنگامی که ایشان دست درازای غاصبان خلافت را به حریم ولایت و امامت دیدند با تمام توان در عرصه فعالیت های سیاسی قدم گذاردند و در طول ۹۵ روز همچون پروانه وجود و جان خویش را برای تثبیت و حفظ امامت فدایی ولایت کردند. از آن روز

است که ورد زبان بچه شیعه ها این ست؛ **ما بچه های مادر پهلو شکسته ایم.**